



حجت دهم، مبارز نستوه تشیع / امام هادی(ع) و شیعیان غالی

امام هادی(ع) با توجه به فشار و مراقبت شدیدی که متوجه خود و یارانش بود، حرکت خود را در دو زمینه آگاه ساختن امت و پشتیبانی از پایگاه های خود آغاز کرد.

امام هادی(ع) با توجه به فشار و مراقبت شدیدی که متوجه خود و یارانش بود، حرکت خود را در دو زمینه آگاه ساختن امت و پشتیبانی از پایگاه های خود آغاز کرد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه-علی کریمی: امام هادی ، یکی از بی نظیر ترین مبارزان خستگی ناپذیر تشیع در عرصه مقابله و مجاهده با ظلم ، فساد و انحراف های عملی و اعتقادی حاکمان جور و ستم عباسی بود و اقدامات آن حضرت می تواند پارادایمی برای هر مبارز واقعی در این عرصه ها باشد. امامی که در اوج غربت و مظلومیت اما با تمام توان خویش در این مبارزه تمام عیار تلاش نمود و تشیع و حتی اصل دین اسلام را از هرگونه انحراف و انحطاط نجات داد. پس سلام و درود بی کران حق بر وی باد.

اکنون ما به بعضی از آن مجاهدت های عظیم و کبیر اشاره می نماییم:

۱- امام هادی(ع) تحت مراقبت

هدف متوکل از احضار یا دعوت امام (ع) به سامره نزد خود و یارانش، محو کردن او در حاشیه دربار خلافت بود، تا چیزی از امور ایشان از وی مکتوم نماند.

امام با خویششننداری در برابر آنان تظاهر به این می کرد که آنچه درباره وی عمل می کنند مورد قبول اوست و به هر حال با سیاست دولت عباسیان موافق است. دعوت به ضیافت را از طرف آنان می پذیرفت و بر خوانشان - سر سفره- می نشست و در مجالس و مراسم آنان شرکت می جست. (۱)

این موضع امام (ع) در برابر دولت، مسامحه یا چشم پوشی یا فروتنی نبود. زیرا چنین چیزی با شخصیتی مانند شخصیت امام(ع) مطابقت نداشت.

هر گونه فروتنی امام هادی (ع) در برابر دستگاه به این معنی بود که بر ضد مصالح عالی اسلام رفتار کرده است. اگر دولت احساس می کرد که ایشان از مواضع خود چشم پوشیده است، بالاترین مقام و موقعیت و جاه و جلال را تقدیم وی می کرد، بی آن که وی را وادار به اقامت اجباری و مراقبت شدید کند.

امام(ع) توجه داشت که سیاست ستمگرانه حکومت نسبت به او روز به روز تندتر و بیشتر می شود تا جایی که متوکل در پایان حکومت خود به علت سعایت ها و خبرچینی ها بر ضد امام(ع)، او را زندانی کرد. آن اخبار، متوکل را هوشیار می کرد و شک را در او بیدار می ساخت و وادارش می نمود تا خانه امام(ع) را در مراقبت شدید قرار دهد تا از صحت و سقم آن اخبار آگاه گردد.

۲- نقش امام(ع) و موضع ایشان در حوادث

امام در سامره زیر نظر جاسوسان متوکل شب و روز مورد مراقبت بود و می کوشید کارهای خود را در آن محیط سخت انجام می دهد. فعالیت های ایشان در آن دایره پر تشویش محدود می شد و حتی الامکان می کوشید برخوردی روی ندهد. امام(ع) با توجه به فشار و مراقبت شدیدی که متوجه خود و یارانش بود، حرکت خود را در دو زمینه آغاز نمود:

الف- آگاه ساختن امت و نشان دادن مواضع علمی خود به صورت پاسخ گفتن به شبهه ها و جواب به پرسشهایی که خلیفه از او می کرد، تا آن امام را در تنگنا قرار دهد و نتواند از عهده حل آن بر آید. مثلا متوکل از<laquoاین سکیت خواست مساله ای پیچیده و دشوار در حضور او مطرح کند و از امام(ع) جواب آن را بخواهد. «این سکیت «، برخی مسائل را که سخت دشوار می دانست از امام پرسید و امام در آن مبارزه و مباحثه پیروز گردید.

«یحیی بن اکثم «، متوکل را گفت:«دوست ندارم پس از پرسش های من از این مرد چیزی پرسیده

شود زیرا وقتی آشکار گردد که او دانشمند است رافضیان تقویت می گردند. (۲۸؛ raquo)

امام(ع) پاسخ سوالات را می داد و شبهه های کفرآمیز را که در اجتماع او رایج بود رد می کرد. (۳)

ب- پشتیبانی از پایگاه های خود و توجه داشتن به آنها، تا در حد امکان، نیازشان را برطرف سازد و کوشش در آموزش آنان و تقویت ایمانشان.

امام با کوشش خستگی ناپذیر و فراوان، وقت خود را برای تجدید فعالیت پیروان خود مصروف می داشت. هر وقت فرصت این کارها دست می داد و امکان فعالیت پیش می آمد، پایگاه های خود را با هر روشی که امکان داشت تقویت می کرد تا در برابر مشکلات، نیروهای پایدار و مجهز آماده داشته باشد. (۲۸؛ raquo) برای امام هادی(ع) از راه های پنهانی و آشکار، و در هر صورت ممکن، پولهای سرشار از قبیل خمس و زکات و خراج می رسید و آنها را در مصالح عمومی اسلام به مصرف می رسانید تا جنبش فرو ننشیند. این فعالیت ها البته دور از چشم حکمرانان و مرکز حکومت عباسیان بود. (۴)

۳-تاسیس سازمانی کارآمد تحت عنوان سازمان وکالت

هرچند دوران آخرین امامان شیعه(ع) همراه با اختناق شدید از سوی خلفای عباسی بود، در عین حال در همین دوران، شیعه در سر تا سر بلاد اسلامی گسترده شده و میان امام هادی(ع) و شیعیان عراق، یمن، مصر و نواحی دیگر نیز رابطه برقرار بود. سیستم وکالت ضامن پیدایش و دوام و استحکام این ارتباط بود. وکلا علاوه بر جمع آوری خمس و ارسال آن برای امام، در حلّ معضلات کلامی و فقهی و همچنین در تثبیت امامت امام بعدی در منطقه خود، نیز نقش سازنده ای داشتند. (۵؛ zwnj)

به نوشته دکتر جاسم حسین از روایات تاریخی برمی(۵؛ zwnj)آید که وکلا، شیعیان را بر مبنای نواحی گوناگون به چهار گروه تقسیم کردند:

بغداد، مدائن، سواد و کوفه

بصره و اهواز

قم و همدان حجاز،

یمن و مصر (۵)

وکلائی ائمه از راه نامه(۵؛ zwnj)نگاری و توسط افراد مطمئن با امام در رابطه بودند. بخش عمده(۵؛ zwnj)ای از معارف فقهی و کلامی آن بزرگواران، طی نامه(۵؛ zwnj)هایی به شیعیانشان می(۵؛ zwnj)رسید.

برخی از وکلای امام هادی:

علی بن جعفر الهمانی یکی از وکلای امام هادی(ع) و از اهالی همینا از روستاهای بغداد بود. درباره وی گزارش(۵؛ zwnj)هایی به متوکل رسیده بود که به دنبال آن او را بازداشت و زندانی کرد. وی پس از گذراندن دوره طولانی زندان، به دستور امام هادی(ع) رهسپار مکه شد و تا آخر عمر در آنجا ماند. (۶)

حسن بن عبد ربّه و یا بنابه گزارش برخی، فرزند او (۶؛ raquo؛ علی)؛ را از وکلای امام هادی(ع) بود که پس از وی ابو علی بن راشد از طرف آن حضرت به عنوان جانشین او تعیین و اعلام شد.

از روایتی که کشّی درباره اسحاق بن اسماعیل نیشابوری آورده نیز چنین استنباط می(۵؛ zwnj)شود که احتمالاً احمد بن اسحاق رازی یکی دیگر از وکلای امام هادی(ع) بوده است.

۴-امام هادی و شیعیان غالی

امام هادی(ع) در ادامه فعالیت امامان پیشین، با غالیان درگیر شد؛ زیرا در میان اصحاب او نیز افرادی از غالیان وجود

داشتند.

علی بن حسکه استاد قاسم شعرانی یقطینی بوده که او از بزرگان غلات و مطرود ائمه طاهرین(ع) است. حسن بن محمد بن بابا قمی و محمد بن موسی شریقی نیز از شاگردان علی بن حسکه بوده‌اند؛ و امام هادی(ع) قرار گرفته‌اند، محمد بن نصیر نمیری و فارس بن حاتم قزوینی بودند. امام ضمن نامه‌ای از ابن بابا قمی بیزاری جستند و فرمودند: او (ابن بابا) گمان برده که من او را فرستاده‌ام و او باب من است. شیطان وی را گمراه کرده است. (۷)

محمد بن نصیر نمیری که ادعای نبوت می‌کرد، رئیس فرقه نمیری و یا نصیری بوده است. گفته شده است که او معتقد به تناسخ و ربوبیت امام هادی(ع) و همچنین معتقد به جواز نکاح با محارم و ازدواج مرد با مرد بوده و ادعا داشت که از طرف امام هادی(ع) به نبوت مبعوث شده است؛ محمد بن موسی بن حسن بن فرات نیز او را پشتیبانی می‌کرده است. پیروان محمد بن نصیر که نصیری خوانده شده‌اند، از مشهورترین فرقه‌های غالی بودند که خود به چند گروه تقسیم می‌شدند. (۸)

منابع تحقیق:

- ۱- تاریخ غیبت، ص ۱۴۲.
- ۲- مناقب، ج ۳، ص ۵۰۷.
- ۳- احتجاج، ج ۲، صص ۲۵۱-۲۶۰.
- ۴- مناقب، ج ۳، ص ۵۱۲.
- ۵- جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم؛ ص ۱۳۷.
- ۶- کشی، اختیار معرفه الرجال، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۸۶۵ و ۸۶۶.
- ۷- کشی، اختیار معرفه الرجال، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۸۰۵.
- ۸- نوبختی، فرق الشیعه ص ۱۳۶.